

نوآوری های و نواقص قانون جدید آیین دادرسی کیفری در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی

آرش کامرانلو، وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه - درج شده در مجله کانون وکلا بهار ۱۳۹۴

پس از به تصویب رسیدن قانون آیین دادرسی کیفری در اسفند سال نود و دو توسط مجلس شورای اسلامی و انتشار آن توسط روزنامه رسمی، جامعه حقوقی کشور با تغییر و تحولاتی در متن قانون جدید مواجه گردید، اگرچه اجرای این قانون توسط قوه قضاییه به سال ۹۴ موکول گردیده، لیکن به نظر میرسد کسانی که دغدغه بررسی قوانین و جرم انگاری در حیطه فعالیت مطبوعاتی را دارند با بررسی نوآوری ها و نارسایی های این قانون در حوزه جرم مطبوعاتی و رسیدگی به آن در دادسرا و دادگاهها به تغییرات شکل گرفته پردازند تا ضمن آشنایی بیش از پیش با قانون فوق الذکر، نواقص احتمالی نیز گوشزد گردد.

همانطور که از قانون جدید بر می آید، دادگاه های کیفری به مثابه قوانین سابق کیفری، به دادگاه کیفری یک و دو تقسیم گردیده و صراحتاً با استناد به تبصره ۳ ماده ۲۹۶ آیین دادرسی کیفری جدید میتوان چنین استنباط و تحلیل نمود که دادگاه کیفری یک جایگزین دادگاه کیفری استان گردیده است و زین پس دادگاه کیفری یک به استناد بند ث ماده ۳۰۲، محکمه صالح برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی خواهد بود.

پس از تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی باید به مساله داشتن وکیل در روند رسیدگی به جرم مطبوعاتی نیز اشاره داشته باشیم، یکی از مباحث جدیدی که در قانون به آن اشاره شده است تفاوتی است که ما بین جرایم مطبوعاتی با سایر جرایم وجود دارد، بدین نحو که در جرایم مطبوعاتی، متهم حق استفاده از سه وکیل را دارد در صورتی که در سایر محاکم حداکثر می تواند از وجود دو وکیل بهره ببرد، این مورد یکی از موارد مثبت قانون جدید در مورد رسیدگی به جرایم مطبوعاتی به شمار می رود، اما حلاوت این امر برای متهم جرایم مطبوعاتی با مواد دیگری از همین قانون مورد خدشه قرار گرفته است.

از آن جمله ماده ۳۴۸ است که لزوم حضور وکیل را صرفاً برای جرایم سالب حیات، قطع عضو، تعزیرات درجه ۴ به بالا، دیه بیش از ثلث و حبس ابد که همگی در صلاحیت دادگاه کیفری یک هستند لازم دانسته است و حتی شکل گیری محکمه بدون وکیل در جرایم فوق را محال دانسته و در فرضی که متهم، وکیل معرفی نکند نیز وکیل تسخیری را پیش بینی نموده اما بند آخر صلاحیت دادگاه کیفری یک که همان جرایم

مطبوعاتی باشد را از این موهبت محروم نموده و از مفهوم مخالف ماده میتوان استنباط کرد که محکمه مطبوعاتی بدون حضور وکیل نیز میتواند برگزار شده و به جرایم متهم رسیدگی نماید و به نوعی الزام داشتن وکیل برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی مورد اشاره قرار نگرفته است .

یکی از نوآوری های مثبت قانون جدید در دوره تحقیقات مقدماتی در جرم مطبوعاتی است که مقنن در این مورد بین جرم مطبوعاتی با سایر جرایم تفاوتی قائل شده است و آن تفتیش و بازرسی منزل و محل کار مجرمین مطبوعاتی است که بر خلاف سایر مجرمین، نیازمند تایید رییس کل دادگستری استان و حضور مقام قضایی (نه صرفاً ضابطین دادگستری) است .

همین طور مطابق با اصل ۱۶۸ قانون اساسی و در پیروی از قوانین سابق باز هم در ماده ۳۰۵ بر روی حضور هیات منصفه و علنی بودن محاکم مطبوعاتی تاکید شده و در تبصره ۳۵۲ منظور از علنی بودن محاکمه را عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی تعیین کرده است.

از دیگر ابتکارات این قانون، پیش بینی دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان است، به نوعی که اگر طفل یا نوجوانی مرتکب جرمی شود که در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب است (نظیر جرم مطبوعاتی) به جای ارجاع به دادگاه های مذکور به دادگاه کیفری یک ویژه معرفی شده و از مزایای دادگاه اطفال نیز بهره مند خواهد شد. به عبارت دیگر اگر یک طفل یا نوجوان در ضمیمه مربوط به کودکان و نوجوانان یک روزنامه مرتکب جرمی نظیر توهین به مقامات سطح بالای کشور شود، به جای دادگاه انقلاب به «دادگاه کیفری یک ویژه» معرفی خواهد شد که این مورد به مباحث اختلاف در صلاحیت در فرض فوق الذکر فی مابین دادگاه اطفال به دلیل طفل بودن مرتکب، دادگاه کیفری یک به دلیل مطبوعاتی بودن جرم و دادگاه انقلاب به دلیل نوع جرم خاتمه خواهد داد و حتی آرای وحدت رویه ای را که سابقاً به دلیل همین تعارضات پیش آمده صادر شده بود نظیر رای شماره ۶۵۱ و ۶۸۷ دیوان عالی کشور را نسخ خواهد کرد و تحولی مثبت در این زمینه را رقم خواهد زد.

اما در مورد جرایم مطبوعاتی که از نظر حقوقی جنبه امنیتی نیز پیدا میکنند مانند مقاله هایی که قضات از آن اقدام علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی را استنباط می کنند و نتیجتاً دادگاه انقلاب اسلامی خود را صالح به رسیدگی می داند باید چند نکته را متذکر شد، اولاً طبق قانون جدید باید تکلیف این تعارض در صلاحیت مشخص گردد زیرا جرایم مطبوعاتی به صراحت ماده ۳۰۲ در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار

می‌گیرد که به نوعی میتوان مدعی بود دادگاه کیفری یک در جرایم مطبوعاتی و سیاسی صلاحیت ذاتی پیدا کرده است و میتواند با دادگاه انقلاب اسلامی وارد تعارض در صلاحیت به شکل تعارض مثبت گردد. ثانیاً اگر فرض بگیریم که دادگاه انقلاب اسلامی صالح به رسیدگی باشد باز هم میتوان به ماده ۲۹۷ اشاره کرد که مقرر میدارد «دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرایم موجب مجازات مندرج در بندهای الف الی ت ماده ۳۰۲ (به غیر از جرم مطبوعاتی و سیاسی) این قانون با حضور رییس و دو مستشار تشکیل می‌شود. دادگاه انقلاب برای سایر موضوعات با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل یا توسط یک مستشار تشکیل میشود». در این ماده فرض تعارض را چنین حل نموده است که فرضاً اگر کسی به دلیل قاچاق مواد مخدر که رسیدگی به آن از صلاحیت های ذاتی دادگاه انقلاب است به مجازات اعدام که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است محکوم شود، دادگاه انقلاب با شرایط و تشریفات مقرر شده برای دادگاه کیفری یک یعنی حضور سه قاضی و ... رسیدگی نماید تا از این طریق اختلاف حل شود، اما متأسفانه باید گفت قانونگذار جرم مطبوعاتی و سیاسی را از این نکته محروم نموده است و در فرض تعارض احتمالی مانند مقاله ای که علیه امنیت باشد فی مابین دادگاه انقلاب به دلیل علیه امنیتی بودن و دادگاه کیفری یک به دلیل مطبوعاتی بودن جرم تعارضی پیش می‌آید که تکلیف آن مشخص نخواهد بود و اگر دادگاه انقلاب اسلامی نیز صالح باشد آن دادگاه با یک قاضی رسیدگی خواهد کرد و نه تشریفات دادگاه کیفری یک، که این امر به نوعی اجحاف و بی‌انصافی در حق مجرمین مطبوعاتی است و ای کاش در متن ماده ۲۹۷، جرایم مطبوعاتی استثناء نمیشدند و این روش حل تعارض شامل حال آنان نیز می‌گشت، مگر اینکه اقدام قانونگذار را با تفسیر به نفع متهم چنین توجیه و تفسیر نماییم که به این دلیل از جرایم مطبوعاتی و سیاسی در ماده ۲۹۷ نامی به میان نیاورده است که اصلاً چنین تعارضی را متصور نبوده و جرایم مطبوعاتی را فارغ از هر جنبه ای که داشته باشد مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌داند.

طبیعی است بررسی های بیشتر نیازمند مرور زمان، اجرای قانون و برخورد رویه قضایی با متن قانون میباشد، به هر حال انتظار می‌رود با برخی تدابیر اتخاذ شده در قوانین جدید آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی قضات محترم دادگستری با توجه به ماهیت این دست از جرایم با صبوری بیشتر از ظرفیتهای پیش بینی شده نظیر مجازاتهای جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی یا دستبند الکترونیکی و ... در برخورد با جرایم مطبوعاتی استفاده نماید.

